



## قاروره (ادرار) از دیدگاه طب ایرانی

محمد باقر مینایی<sup>\*</sup>، روجا رحیمی، محمد رضا شمس‌اردکانی، منصور کشاورز

دانشکده‌ی طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

### چکیده

ادرار یکی از مواردی است که در طب سنتی ایران جهت تشخیص وضعیت سلامت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در طب سنتی، پژوهش در راستای کمک به تشخیص بیماری، از نمونه‌ی ادرار که در متون مختلف با نام‌های بول، تفسره و به طور مجازی قاروره نامیده شده است، بهره می‌برده است. نکته‌ی مهم این است که در متون مختلف طب سنتی به زمان و شرایط و نحوه‌ی جمع‌آوری نمونه اشاره شده است، به علاوه با بررسی کیفیت ادرار از لحاظ رنگ ادرار، قوام ادرار و کیفیت‌هایی از این دست تشخیص افتراقی‌های ظرفی در این باب آورده شده است. در این مقاله به بررسی دیدگاه‌های طب سنتی در زمینه‌ی چگونگی اخذ ادرار اعم از زمان گرفتن نمونه، شرایط و محل نگهداری نمونه‌ی ادرار و همچنین طریقه‌ی جمع‌آوری ادرار اشاره خواهد شد. به علاوه مروری گذرا بر تشخیص افتراقی‌های حاصل از بررسی ماهیت و کیفیت ادرار اعم از رنگ و قوام و بوی ادرار و همچنین وضعیت ادرار در سنین و شرایط مختلف خواهیم پرداخت.

**واژگان کلیدی:** قاروره، ادرار، بول، طب سنتی

وضعیت تغییر کیلوس در جگر، فضول و ماده‌هایی که در بدن باشد و هم‌چنین عفونت اخلاط آگاهی یافت (۱). در این مقاله به چگونگی اخذ ادرار و دلایل متخذ از بول و وضعیت ادرار در سنین و شرایط مختلف خواهیم پرداخت.

### ۱. چگونگی اخذ و نگهداری و ملاحظه‌ی ادرار

#### ۱-۱. زمان اخذ بول:

بول باید صبح، هنگام برخاستن از خواب معتدل و در حالت ناشتا گرفته شود. نباید شخص شب‌بیداری کشیده باشد و یا قبل از اخذ بول غذا و نوشیدنی خورده باشد. کسانی که شب‌بیدار هستند و در روز می‌خوابند، شب برای آن‌ها حکم صبح را دارد و ادرار آن‌ها را باید شب، قبل از خوردن و آشامیدن اخذ نمود. بول فرد روزه‌دار اعتبار ندارد مگر این‌که

### مقدمه

ادرار یکی از مواردی است که در طب سنتی ایران جهت تشخیص وضعیت سلامت مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله سایر اسامی که به آن اطلاق می‌شود، می‌توان به بول، تفسره (تفسر احوال بدن)، دلیل و آب اشاره نمود (۲). البته به طور مجازی آن را قاروره نیز می‌نامند. قاروره در واقع ظرف شیشه‌ای خاصی است که ادرار در آن جمع‌آوری می‌شود (۲). ادرار فضله‌ای از فضلات هضم‌شانی، ثالث و رابع کبدی و عروقی است و از دو جزء تشکیل یافته است: (۱) مائیت مکسبه‌ی مشروب که جزو مایی ادرار است و حاصل از نوشیدن نوشیدنی‌های گوناگون می‌باشد (۲) ثفل که جزوی از ادرار است که از مائیت آن جدا شده و در بالا، پایین یا وسط قاروره قرار می‌گیرد (۳). بهوسیله‌ی بول می‌توان از گرمی و سردی و تری و خشکی مزاج، حال اندام‌ها، وضعیت گواری‌بند طعام در معده،

ملاحظه کنند. بلکه باید اندک زمانی بگذرد تا ثفل آن جدا گردد و رسوب از مائیت متمایز شود. اکثر اطباء این اندک زمان را یک ساعت تعیین نموده‌اند (۱،۳).

#### ۴-۱. اشیای مغایره‌ی بول:

اشیای مغایره‌ی بول اشیایی هستند که رنگ و شکل ادرار را تغییر می‌دهند و لذا در هنگام ملاحظه قاروره، باید آن‌ها را مدا نظر داشت. اشیای مغایره به سه دسته تقسیم می‌شوند: مأکوله، مشروبه و اعراض بدئیه و نفسانیه (۳).

تناول سبزی‌ها که بول را سبز می‌گرداند، تناول زعفران و صبر بول را زرد، خوارشنبه بول را قرمز یا زرد و نوشیدن شربت‌های رنگین بول را به رنگ خود می‌گردانند. تخصیب به حنا یعنی رنگ نمودن دست و پا توسط حنا بول را مایل به قرمزی می‌کند، به خصوص اگر پوست نازک باشد. روزه، بیداری، تعب، گرسنگی و غضب بول را در اکثر موارد زرد و یا سرخ می‌گردانند. البته بعد از بیداری بسیار به‌سبب تحلیل حرارت، بول سفید می‌گردد. جماع، چه با اتزال و چه بی‌انزال، بول را گرم و چرب می‌گردد. در آن رسوب و ثفلی سفید به‌شكل رسیمان ظاهر می‌شود (۳).

#### ۲. دلایل متخذ از بول:

دلایلی که معمولاً طبیب از ادرار می‌جوید هفت جنس است. این هفت جنس عبارتند از: لون، قوام، صفا و کدورت، رسوب، قلت و کثرت، رایحه و زبد (کفک) (۱). بعضی از اطبای یهودی و مسیحی دو جنس دیگر نیز براین اجناس افزوده‌اند و آن شامل لمس و طعم می‌باشد ولیکن متاخرین به‌دلیل نجاست ادرار، ترک این دو جنس نموده‌اند (۳). در ادامه‌ی بحث، این اجناس به‌ترتیبی که ذکر گردید مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

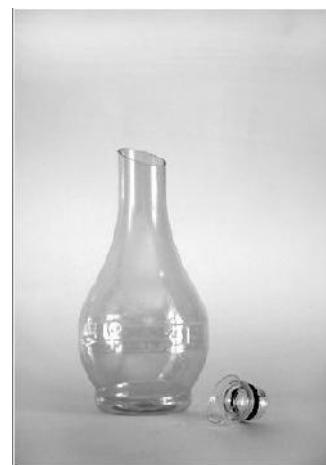
#### ۲-۱. لون:

لون یا رنگ ادرار طبق نظر اکثر اطباء در ۵ طبقه قرار می‌گیرد. این ۵ طبقه عبارتند از: صفرت (زردی)، حمرت (سرخی)، حضرت (سبزی)، سواد (سیاهی)، بیاض (سفیدی). منظور از هر طبقه آن است که در تحت هر یک انواع بسیار است (۲،۳).

عادت به روزه گرفتن داشته باشد (۱،۳).

#### ۲-۲. ظرف جمع‌آوری ادرار:

ظرف جمع‌آوری ادرار همان‌طورکه در ابتدا اشاره شد، قاروره نامیده می‌شود. قاروره، ظرفی است شبشهای شفاف به‌شکل مثانه و دهانه‌ی آن نه بسیار تنگ و نه بسیار گشاد است (شکل ۱).



شکل ۱. قاروره

اندازه‌ی مناسب برای قاروره به حدی است که تمام بول در آن گنجد و قدری از آن خالی باشد (۱،۳).

#### ۲-۳. طریق جمع‌آوری، نگهداری و ملاحظه قاروره:

باید همه‌ی بولی که خارج می‌شود در قاروره جمع‌آوری گردد (۱). پس از جمع‌آوری ادرار آن را باید از هوای گرم و سرد و آفتاب محفوظ دارند. در هوای سرد باید قاروره را در غلاف پنهای حفاظت نمایند (۳). ظرف قاروره را پس از اخذ ادرار نباید بسیار حرکت داد. قاروره باید در روشنایی بدون آن که شعاع آفتاب بر آن افتد، ملاحظه شود چون به‌سبب شعاع آفتاب چیزی مانند ابر در بول نمایان می‌شود و باعث به‌اشتباه انداختن طبیب در تشخیص خواهد گردید (۱). هم‌چنین قاروره را از سایه‌ی خود دور دارد و لباسی که پوشیده است چنان نباشد که عکس او برآن افتد (۲).

اگر شش ساعت از جمع‌آوری ادرار در قاروره بگذرد، دیگر ادرار معتبر نمی‌باشد. چون در این مدت رنگ آن متغیر شده و کیفیت ثفل و زبد (کف) آن متغیر خواهد گردید. هم‌چنین در همان زمانی که ادرار را اخذ می‌نمایند، باید آن را

طبقه‌ی دوم رنگ اترجی است. یعنی شبیه به رنگ پوست زرد رسیده‌ی اترج. سبب آن نیکوبی حال هضم است و مختص به حال صخت است. البته به این نکته باید توجه داشت که هرگاه مرض حاد در بدن وجود داشته باشد، سزاوار است که بول در آن ناری و یا زعفرانی باشد و در این حالت اگر ادرار تبني یا اترجی باشد، نشان دهنده‌ی انصراف ماده به‌سوی اعضای ریسیه است و به هیچ عنوان علامت خوبی نمی‌باشد.

طبقه‌ی سوم اشقر است و زرد مایل به سرخی می‌باشد. اسباب شفتر بول یا کشت دفع صفرا است در بول و یا به‌سبب کیفیت فقط است نه کمیت. در هر صورت در مجموع شفتر بول دلالت بر حرارت می‌نماید.

طبقه‌ی چهارم نارنجی است که صفت مایل به حمرت و شفتر می‌باشد. به آن اصفر مشبع نیز گفته می‌شود و سبب آن حرارت بیشتر از اشقر است.

طبقه‌ی پنجم ناری است که از نارنجی پررنگ‌تر می‌باشد و رنگ آن شبیه به رنگ آتش است و دلالت بر حرارت بیش از نارنجی می‌نماید.

طبقه‌ی ششم زعفرانی است که رنگ آن شبیه به آبی است که در آن زعفران حل کرده باشند. نام دیگر آن احمر ناصع است. نظرات متفاوتی در مورد رنگ زعفرانی وجود دارد. رازی و ابن ابی‌صادق معتقدند که حرارت ناری بیشتر از زعفرانی است زیرا که حمرت بول دلیل مخلوط شدن قدری دم است با آن و صفت آن به‌دلیل مخلوط شدن صفرا است با آن و چون صفرا از دم گرم‌تر است پس ناری از زعفرانی گرم‌تر است. لیکن پیروان ابن‌سینا، مجوسی اهوازی و قرشی معتقدند که حمرت در زعفرانی به علت شدت تراکم صفت است نه اختلاط دم با مائیت ادرار، لذا حرارت زعفرانی را بیشتر از ناری می‌دانند (۲،۳).

## ۲-۱. لون احمر:

لون احمر شامل ۴ طبقه است: اصهب، وردی، احمر قانی و احمر قاتم (شکل ۳). هریک از این طبقات نسبت به طبقه‌ی قبل از خود دلالت بر حرارت و غلبه‌ی خون بیشتر می‌نمایند.

## ۲-۱-۱. لون اصفر:

لون اصفر شامل شش طبقه است که به ترتیب از کمرنگ به پررنگ عبارتند از: تبني، اشقر، نارنجی، ناری، زعفرانی (شکل ۲). هریک از این طبقات نسبت به طبقه‌ی قبل از خود دلالت بر زیادتی حرارت می‌نمایند.

تبني
اترجی
اشقر
نارنجی
ناری
زعفرانی

شکل ۲. طبقات لون اصفر

طبقه‌ی اول یعنی تبني به رنگ آبی است که کاه در آن خیسانیده باشند. اسباب رنگ تبني یا داخلی است یا خارجی (جدول ۱). اسباب داخلی عبارتند از: سوء هضم، قلت صفرا، انصباب و انحدار بلغم. سوء هضم، ناشی از برودت مزاج است و در این حالت ادرار تبني با قلت بول همراه است. قلت صفرا به دو دلیل می‌تواند باشد: ۱) صفرا فی الحقيقة کم است به‌سبب برودت مزاج که مانع تولید صفرا است و یا به جهت تناول اغذیه‌ی غلیظه‌ی بارده که صفرا از آن‌ها کم متولد می‌شود. ۲) صفرا به‌اندازه است ولی منصرف به مجاری بول نمی‌باشد و به جوانب دیگر بدن مانند دماغ در بیماری سرسام، یا دهان در قی صفراوی یا روده‌ها در اسهال صفراوی منصرف می‌شود. ادرار تبني ناشی از قلت صفرا با قلت بول همراه است. در انصباب و انحدار بلغم یا بلغم خود رقيق‌مایی است که در مجاری بول می‌ریزد و یا به تحت تاثیر حرارت در آن ترقیق یافته مندفع می‌گردد و اگر ادرار تبني همراه با کثرت مقدار بول و غلظت آن باشد دلالت بر انصباب و انحدار بلغم می‌نماید. اسباب خارجی شامل: کثرت آشامیدن آب و شربت‌های رقيق‌مایی باشد و کثرت مقدار بول و رقت آن دلالت بر آن می‌نماید (۲،۳).

## جدول ۱. اسباب رنگ تبني

دلالت ادرار	اسباب	سوء هضم
قلت بول	برودت	
قلت بول (مانع تولید صفراء)	فی الحقیقہ کم	قلت صفراء
تناول اغذیه غلیظه بارده		داخلی
دماغ (سرسام)		
قلت بول	انصراف صفراء به سایر جوانب	
قی صفراء		
کثرت بول و غلظت آن		انصباب و انحدار بلغم
کثرت بول و رقت آن	کثرت آشامیدن آب و شربت‌های رقیق	خارجی

جذب نمایند و در نتیجه خون همراه ادرار دفع می‌شود. در سوءالقینیه و استسقا نیز کبد ضعیف شده و همان اتفاقی که در فالج طرف راست گفته شد رخ می‌دهد.  
• و جع عضوی که مقارن آلالت بول است (۲،۳).  
۱-۲. لون اخضر:

لون اخضر شامل ۵ طبقه است: فستقی، آسمان‌جونی، نیلچی، کراشی، زنجاری (شکل ۴).



شکل ۴. طبقات لون اخضر

فستقی زرد مخلوط با اندکی سیاهی به رنگ پوست پسته است و دلالت بر برودت مزاج می‌نماید. طبق نظر قرشی رنگ فستقی ادرار دلالت بر احتراق صفراء می‌کند. آسمان‌جونی رنگی است شبیه به رنگ آسمان سیاه آمیخته با سفیدی و دلالت بر جمود اجزای خلط یا آمیزش سودا با

اصبه

وردی

احمرقانی

احمرافتیم

شکل ۳. طبقات لون احمر

به طور کلی از جمله اسباب حمرت بول می‌توان به موارد

زیر اشاره نمود:

- غلبه‌ی خون.
- عفونت بلغم؛ هنگامی که بلغم به وسیله‌ی تاثیر حرارت در آن متعفن گردد، اندک زردی در آن ایجاد می‌شود و این زردی چون متکائف گردد سرخ شبیه به خون می‌شود.
- تراکم صفراء و تکائف آن.
- سودای دمویه.

• امراض بارده نظیر فالج و سوءالقینیه و استسقا؛ فالج اگر در جانب راست بدن باشد به سبب آن برودت در کبد و ضعف در قوا کبد ایجاد می‌شود و لذا کبد نمی‌تواند مائیت را از دمویت جدا کند و در نتیجه مقداری دم نیز با ادرار دفع می‌شود. اگر فالج در طرف چپ بدن باشد، عروق سمت چپ را ضعیف می‌گرداند و نمی‌توانند خونی که غذای آن هاست را

ایض حقيقی مثل رنگ پنه و شیر است و دلالت بر موارد زیر می نماید:

- دلالت بر نصیح ماده.

• دلالت بر دفع ماده سفید بلغمی.

• دلالت بر ذوبان شحم و یا سمن به سبب قوت حرارت: فرق میان این مورد و مورد قبل آن است که ذوبانی در قاروره منجمد می گردد و با آن علایم غلبه حرارت می باشد.

• دلالت بر ذوبان اعضای اصلیه که علامت آن ظهور چربی بالای قاروره است (۲،۳).

## ۲-۲. قوام بول:

منظور از قوام، سرعت سیلان یا کندی سیلان است. انواع بول براساس قوام عبارتند از: رقیق، غلیظ، معتمد (۲،۳).

### ۱-۲-۲. بول رقیق:

بول رقیق دلالت بر موارد زیر می نماید:

• عدم نصیح بول و اختلاط نیافتن اجزای غلیظه غذاییه بدان.

• سده بر عروق مجاري بول که نتیجه آن خروج مایت و ماندن بخش غلیظ ادرار در پشت سده است.

• ضعف کلیه (نیروی جاذبه یا دافعه): در صورت ضعف نیروی جاذبه، اختلاط را که با آب آمیخته باشند، به خود نتواند کشید و در صورت ضعف دافعه، اختلاط کشیده به خود را دفع نتواند نمود.

- آشامیدن آب بسیار.

• سردی و خشکی بدن که در نتیجه آن تکائف ماده و تقابل و برهم کشیدگی مجاري روی داده و به جز اجزای رقیقه ای.

بول، سایر اجزاء قادر به خروج از مجاري ادرار نمی باشند (۱-۳).

• انصراف ماده از مجاري بول به جانب دیگر.

• دفع رطوبات رقیقه (۲،۳).

• ضعف حرارت غریزی و خامی ماده به خصوص در امراض حاده.

• ضعیفی همه قوتها و عجز در تصرف در آب و در نتیجه آب به همان صورت که خورده شود دفع گردد.

• تولد سنگ در گرده و مثانه (۱).

### ۲-۲-۲. بول غلیظ:

اسباب بول غلیظ ده مورد است:

مائیت ادرار می نماید.

نیلچی شبیه به رنگ آبی که در آن نیل گداخته باشند و دلالت بر برودت و جمود ماده می کند.

کراشی شبیه به رنگ برگ گندنا است و دلالت بر زیادی حرارت و احتراق می نماید.

زنجرای شبیه به رنگ زنگار دلالت بر احتراق شدید زیاده از کراشی می کند (۲،۳).

### ۱-۴. لون اسود:

لون اسود شامل ۴ طبقه است: اسود مایل به زردی، اسود مأخوذ از اقتیمت، اسود ضارب به حضرت، اسود ضارب به بیاض (شکل ۵).

اسود مایل به زردی مانند رنگ آبی است که در آن سیاهی و زعفران حل کرده اند و دلالت بر غلبه سودای حاصل از صفرا می نماید.

اسود مأخوذ از اقتیمت مانند رنگ آبی که در آن سیاهی و سرخی تیره حل کرده اند و دلالت بر سودای حاصل از دم می کند.

اسود ضارب به حضرت که سیاه مایل به سبزی است و دلالت بر سودای صرف می نماید.

اسود ضارب به بیاض یعنی سیاهی که به سفیدی می زند و دلالت بر سودای بلغمی می کند (۲،۳).

اسود مایل به زردی
اسود مأخوذ از اقتیمت
اسود ضارب به حضرت
اسود ضارب به بیاض

شکل ۵. طبقات لون اسود

### ۱-۵. لون ایض:

لون ایض دو طبقه دارد: بیاض غیرحقیقی و بیاض حقیقی. ایض غیرحقیقی که در واقع بی رنگ است مثل رنگ شیشه و آب که دلالت بر برودت یا بر سده غیرتامه در مجاري بول می نماید، به طوری که بخش رقیق ادرار عبور کرده و بخش غلیظ رنگین آن می ماند.

حرارت غریزی کاهش می‌یابد و در نتیجه انتفای حرارت غریزی برودت بر بدن اسیلا می‌یابد و بول را غلیظ می‌گرداند و مانع جدا شدن ارضیّت و مائیّت ادرار از یکدیگر می‌شود.

- **ورم باطنی:** سبب فساد هضم و اجتماع فضلات غلیظه‌ی کثیره در بدن شده و چون قدری از این فضلات با بول مندفع گردد، سبب کدورت آن می‌شود (۲,۳).

#### ٤-٢. رایحه بول:

ادرار گاه ذی‌الرایحه (دارای بول) و گاه عدیم الرایحه (فاقد بول) می‌باشد. ذی‌الرایحه به چهار قسم تقسیم می‌شود: قلیل الرایحه، حامض الرایحه، حلو الرایحه، متن‌الرایحه (شکل ٦).

**بول قلیل الرایحه** دلالت بر برودت مزاج و یا ضعف حرارت غریزی می‌نماید. پس هرگاه ماده در اصل بارد باشد و حرارت غریزیه ضعیف و نتواند در ماده تصرف کند ادرار قلیل الرایحه می‌شود.

**بول حامض الرایحه** که بوی ترش از آن می‌آید، دلالت بر تصرف حرارت غریبه در اخلاط بارده رطبه می‌نماید.

**بول حلو الرایحه** که بوی شیرین از آن می‌آید، دلالت بر غلبه‌ی خون می‌کند زیرا طعم و رایحه‌ی خون شیرین است و سبب آن تصرف حرارت معتمله در ماده‌ی معتمله می‌باشد.

**بول متن‌الرایحه** یعنی بول بدبو یا دلالت بر عفونت اخلاق می‌نماید، به سبب آن تصرف حرارت غریبه در مواد کثیفه و یا دلالت بر قرحة‌ی مجاری بول.

**بول عدیم الرایحه** که هیچ بویی از آن به‌مشام نمی‌رسد، دلالت بر جمود و فجاجت ماده به سبب برودت می‌نماید. گاه نیز دلالت بر عجز طبیعت از دفع ماده‌ی عفنه می‌کند.

**بول معتدل الرایحه** که رایحه‌ی آن به حد اعتدال و عادت حالت صحت و بول صحی باشد، دلالت بر نضج فاضل و اعتدال حرارت غریزیه و ماده می‌کند (۲,۳).

#### ٥-٢. زید (کفک) بول:

سبب ایجاد زید یا کفک در ادرار می‌تواند به دو دلیل باشد:

- اختلاط رطوبت با هوای محصوره در قاروره که چنین زیدی غیر معتبر است و بر احوال درونی بدن دلالت ندارد (۳).
- حاصل اختلاط رطوبت با ریح متولّد در بدن که این

- پخته شدن ماده: در این حالت رسوب ادرار هموار است.
- قوت حرارت غریزی که اندر ماده‌ی غلیظ اثر کند و آنرا بپزاند: در این حالت رسوب ادرار هموار است.

- بحران و دفع فضله و پاک شدن تن.
- پخته شدن آماس یا جراحتی که در حوالی آلت‌های بول باشد.

- ضعیفی قوت و باطل شدن حرارت: در این حالت با وجودی که حرارت تب ساکن می‌گردد، حال بیمار بدتر شود و مقدار بول کم باشد و رسوب آن ناهموار.

- کوشیدن طبیعت با ماده و اضطراب که درنتیجه‌ی آن در بدن پدید آید: در این حالت تب گرم‌تر شود و مقدار بول بیشتر باشد.

- گدازش تن: در این حالت رسوب بهرنگ آن عضوی است که در حال گدازش است.

- بسیار خوردن غذا و نداشتن فعالیت بدنسی: در این صورت بول مانند ریم (چرک) یا زردآب باشد.

- گشوده شدن سده: در این حالت پس از ادرار کردن راحتی و سبکی پدید آید.

- تولّد سنگ در گرده و مثانه: در این حالت رسوب بسیار از ادرار تولّد می‌یابد و در تهی‌گاه و حوالی زهار سنگینی احساس می‌شود (۱).

#### ٣-٢-٢. بول معتدل:

بول معتدل دلالت بر اعتدال مزاج و نضج کامل فاضل می‌نماید (۳).

#### ٣-٢. صفا و کدورت بول:

صفا حالتی است که آسان باشد با آن نفوذ بصر در جسم سایل و همان شفافیت است. سبب صفاتی ادرار نضیج تام می‌باشد. کدورت حالتی است که متعسر گردد به آن نفوذ بصر که نفوذ در آن نتواند نمود. اسباب کدورت به شرح زیر است:

- عدم نضج.
- وجود اخلاق ریاحیه که مانع جداسدن اجزای ارضیه از مائیه در ادرار می‌شود.
- سقوط قوه‌ی شهویه: قوت شهوت درنتیجه‌ی انتفای

**۷-۲. رسوب بول:**

رسوب ادرار اجزای غلیظ متمایز از مائیت ادرار است که در کف، وسط یا بالای قاروره تجمّع می‌یابد. رسوب ادرار یا طبیعی است یا غیرطبیعی.

**۱-۷-۲. رسوب طبیعی:**

رسوب طبیعی نشانه‌ی صحّت اعتدال مزاج و هضم و نضج تام است. رسوب طبیعی دو قسم است:

- رسوب محمود که دارای ۵ صفت است:

۱. ابيض.

۲. راسب: یعنی در ته قاروره تجمّع می‌یابد.

۳. متصل الاجزا.

۴. متخلخل لطیف.

۵. چون قاروره را حرکت دهنده به سرعت از هم منبسط گردد و زود تهنشین و مجتمع نگردد.

• رسوب غیرمحمود: مُنْصَف به همه‌ی صفات بالا نیست و همین‌که مخالف انواع غیرطبیعی رسوب باشد کافیست (۱-۳).

**۲-۷-۲. رسوب غیرطبیعی:**

رسوب غیرطبیعی به ۱۲ قسم تقسیم می‌شود:

(۱) خرّاطی: شیوه‌ی به قشور و خرّاطه که در طی خرّاطی از چوب جدا می‌شود. انواع رسوب خرّاطی عبارتند از:  
• صفائحی که ثخن و ضخامت زیاد است. اگر رسوب صفائحی سفید باشد، نشان دهنده‌ی انجراد (پوست اندازی) سطح مثانه است، اگر سرخ باشد، نشانه‌ی انجراد و خراش کلیه‌ها است و کمودت رسوب صفائحی نشان دهنده‌ی انجراد و خراش اعضای اصلیه است که این نوع رسوب صفائحی رُدّی ترین نوع است.

• کرسنی که اجزای رسوب کوچک و سرخ است. اگر اجزای رسوب کرسنی، شدید الاتصال کثیراللّحمیه باشد، نشان دهنده‌ی احتراق در اجزای گرده و اگر قابل از هم پاشیدن و غیر کثیراللّحمیه باشد، نشانه‌ی احتراق در اجزای کبد یا احتراق دم در کبد است. علامت دیگر آن‌که، رسوب کرسنی با منشأ کبدی مایل به سیاهی و رسوب کرسنی با منشأ کلیوی مایل به زردی است.

• نخالی که اجزای رسوب کوچک و غیرسرخ است و یا

زید معتبر است و دلالت و تولّد ریاح در بدن می‌نماید (۱،۳).

**۶-۲. قلت و کثرت بول:**

اسباب کثرت ادرار به شرح ذیل است:

- ذوبان اخلاط و فضول مجتمعه در بدن و یا اعضاء.
- استفراغ فضول مانده.
- کثرت شرب آب یا سایر نوشیدنی‌ها یا طعام و میوه‌های آبدار.

• اختلال به آب سرد یا ملاقات هوایی سرد با بدن که در نتیجه‌ی آن پوست بدن متكاثف می‌شود و رطوبات بدینه از راه تبخیر و عرق قادر به خروج نیستند، در نتیجه رطوبات در باطن احتباس یافته و از طریق بول دفع می‌شوند.

• سکون مفرط که نتیجه‌ی آن عدم تحلیل رطوبات و اجتماع آن‌ها در بدن و درنهایت دفع آن‌ها از راه بول است.

**۱-۲-۳. استعمال مدرّات:**

اسباب قلت ادرار نیز چند دسته‌اند:

• ضعف قوه از دفع مائیت که خود به ۳ قسم تقسیم می‌شود:  
(۱) ضعف قوه‌ی دافعه‌ی گرده و یا مثانه که علامت آن احساس سنگینی در محل گرده یا مثانه و انتفاخ و برآمدگی عانه و تکرر بول می‌باشد.

(۲) ضعف قوه‌ی جاذبه‌ی گرده که در نتیجه‌ی آن قادر به جذب کامل مائیت از کبد نمی‌باشد. در این قسم ثقل گرده کمتر است و ترهّل و سستی در بدن مشاهده می‌شود.

(۳) ضعف قوه‌ی دافعه‌ی کبد که در نتیجه‌ی آن کبد قادر نیست مائیت ادرار را به‌طور کامل دفع کند و علایم این قسم سنگینی کبد و فساد حال آن، فساد حال جمیع بدن و استعداد ابتلاء به استسقا می‌باشد.

• تحلیل کثیر مفرط که به چند دلیل ممکن است رخ دهد:

(۱) کثرت ریاضت و بیداری و تعب و حرکت.

(۲) فرط حرارت هوا و آتش.

(۳) آشامیدن مسخنات.

• انصراف و توجه ماده‌ی بول به سوی جانب دیگر که در اکثر امراض دماغیه، اسهالات و بحران به عرق رخ می‌دهد.

• قلت شرب آب و تناول مایعات.

• سده در مجرای بول (۲،۳).

دلیل آن یا استعمال متناولات غلیظه‌ی کثیفه مثل شیر و پنیر و یا ضعف معده و سوء هضم می‌باشد.

۹) رملی: شبیه به سنگریزه است. رسوب رملی رقیق دلالت بر حصات انعقاد یافته یا در صدد انعقاد می‌کند و رسوب رملی غلیظ دلالت بر حصاتی می‌نماید که بعد از انعقاد منحل گشته‌اند. اگر رنگ رسوب رملی سرخ باشد، نشان دهنده‌ی حصات گرده (سنگ‌کلیه) و اگر رملی غیرسرخ باشد نشانه‌ی حصات مثانه (سنگ مثانه) است.

۱۰) رمادی: شبیه به خاکستر با اجزای کوچک دایره‌ای شکل. این نوع رسوب یا دلالت بر غلبه‌ی بلغم یا بر مده (چرک) که به سبب طول مکث، رنگ آن از سفیدی به آبی و خاکستری متمایل شده و یا دلالت بر احتراق چرک می‌نماید.

۱۱) علقمی دموی: یعنی رسوبی که شبیه به زالو گشته است (۱-۳). است که منعقد و منجمد شده و شبیه به زالو گشته است. علت آن که رسوب علقمی و دموی که در واقع نوع یازدهم و دوازدهم رسوب غیرطبیعی می‌باشد، یکجا ذکر شده، این است که خون به مجرد خروج از بدن، منعقد می‌گردد، پس این دو نوع را نمی‌توان از هم جدا نمود (۲). این نوع رسوب در اکثر موارد دلالت بر ضعف کبد و جراحت مجاری بول می‌نماید. درصورتی که رسوب علقمی دموی شدید الامتراج با مائیت و مایل به سیاهی باشد، دلالت بر ضعف کبد و چنان‌چه غیر شدید الامتراج با مائیت و غالب الحمرت باشد، دلالت بر جراحت مجاری بول می‌نماید.

### ۳. وضعیت ادرار در سنین و شرایط مختلف:

بول نوزادان شیرخوار یا آن‌هایی که به تازگی از شیر گرفته شده‌اند، شبیه به مائیت شیر و مایل به سفیدی است. علت آن انحصار تغذیه‌ی آن‌ها به شیر است.

بول کودکانی که مدت طولانی از شیر گرفته شده‌اند ولی هنوز بالغ نشده‌اند غلیظتر از بول بالغین است. علت آن تعداد دفعات غذایی بیشتر نسبت به بالغین و در نتیجه کثرت فضول حاصله از آن می‌باشد.

بول بالغین و جوانان مایل به ناریت و معتدل القوام و با کف و احیاناً اندک رسوب جیبدی می‌باشد. علت آن غلبه‌ی حرارت

دلالت بر جرب یا قرجه‌ی مثانه و یا عروق مجاور آن می‌نماید که در این حالت با حکه در بین قضیب، نتن (بدبویی) شدید، مده (چرک) همراه است و رنگ آن سفید محض است و یا دلالت بر قرجه‌ی سایر اعضای اصلیه می‌نماید که در این صورت رنگ آن مایل به کمودت است. ۲) دشیشی یا سویقی: این نوع رسوب غیرطبیعی شبیه به نخالی است، ولیکن بسیار غلیظتر و ضخیم‌تر می‌باشد. اگر سفید خالص باشد، نشان دهنده‌ی جرب مثانه، اگر سفید مایل به کمودت باشد، علامت انجراد یا ذوبان اعضای اصلیه‌ی سفید و دور از مجاری بول و اگر سرخ باشد، نشان دهنده‌ی احتراق خون یا تقشیر کبد و گرده است.

۳) لحمی: شبیه به قطعه‌های گوشت ریزه است و سبب مانند کرسنی (احتراق در گرده یا کبد یا دم) است.

۴) دسمی: رسوب چرب است و دلالت بر ذوبان اعضای غیر اصلیه، شامل لحم، شحم و سمن می‌نماید. فرق میان آن‌ها این است که ذوبان لحمی نسبت به شحمی و سمنی مایل به زردی و برآقیت است و رسوب شحمی و سمنی شبیه به روغن زیتون یا آب طلا می‌باشد.

۵) مدلی: رسوب چرکی است و دلالت بر انفجار قرجه و اخراج مده و چرک آن با بول می‌نماید و عمدتاً ناشی از اورام و جراحات آلات بول می‌باشد که در آن صورت رسوب مدلی راسب است یعنی در ته قاروره تنهشین می‌شود.

۶) مخاطی: شبیه به بلغم غلیظ که از بینی بر می‌آید است و دلالت بر بسیاری ماده‌های بلغم در بدن و برآمدن با بول یا احداث مرضی بلغمی قریب به مخرج بول و خروج ماده‌ی آن از طریق بول نظیر عرق‌النساء و اوچاع مفاصل و اوچاع ورک یا بسیار بارد گشتن مزاج گرده و در نتیجه ایجاد بلغم بسیار در آن دفع از راه بول می‌نماید.

۷) شعری: شبیه تارهای مو است و سبب آن رطوبت لوجه است که طولانی انعقاد یابد انعقادی نه به صلابت حصات (سنگریزه). اگر بلغم مخلوط با خون باشد رنگ رسوب شعری سرخ و در غیر این صورت سفید خواهد بود.

۸) خمیری: شبیه به قطعه‌های خمیری که در آب خیسانیده باشند است و قطعه‌های آن بزرگ غلیظ و سفیدرنگ می‌باشد.

دارد، تکاندهیم، بول مکدر و بیشتر کدورت مایل به فوق خواهد بود. در صورتی که بول زنان در اثر تکان دادن، غیرمکدر باقی خواهد ماند و یا بسیار کم تکدر یابد. علت آن برودت بیشتر در زنان و در نتیجه، قلت تمیز اجزاء از هم می‌باشد.

اغلب بر بالای بول زنان زید دایره‌ای شکل تشکیل می‌شود. بر بالای بول زنان حامله چیزی شبیه ابر تشکیل می‌شود. در مورد صاحبان نفاس (خونریزی بعد از زایمان) در اکثر موارد چیزی سیاه شبیه به دوده در بول مشاهده می‌شود (۱-۳).

امزجه و زیادتی صفراء و نیکوبی هضم و نصج در آن‌هاست. بول کهول (۴۰ تا ۶۰ سال) مایل به سفیدی است و علت آن ضعف حرارت و انھضام می‌باشد.

بول مشایخ (بالای ۶۰ سال) رقیق‌تر و سفیدتر از کهول است و علت آن کمال ضعف حرارت و هضم در این اشخاص می‌باشد. بین بول زنان و مردان نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. بول زنان غلیظ‌تر و سفیدتر از بول مردان است. علت آن کثربت فضول در ابدان ایشان، ضعف حرارت و هضم و غلبه‌ی رطوبت مزاج، سعت مجاری بول ایشان و انصباب رطوبات رحمیه به آلات بول ایشان می‌باشد. اگر قاروره‌ای را که در آن بول مرد قرار

#### منابع

۱. جرجانی، سید اسماعیل: ذخیره‌ی خوارزم‌شاهی. تصحیح و تحریمه: محمّری، محمّدرضا. فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران، صص: ۲۰۹-۲۴۰، ۱۳۸۰.
۲. ارزانی، حکیم محمد اکبرشاه: مفرح القلوب. موسسه‌ی مطالعات تاریخ‌پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، صص: ۱-۳۶۸، ۳۰۱-۳۶۸. ۱۳۸۳.
۳. عقیلی خراسانی شیرازی، محمدحسین: خلاصه الحکمه. تحقیق، تصحیح و ویرایش: ناظم، اسماعیل. انتشارات اسماعیلیان، تهران، صص: ۷۳۸-۶۳۸. ۱۳۸۵.